

رباعیات مجد همگر به خط نوّه او

سید علی میرافضلی*

(رفسنجان)

چکیده: این مقاله به معرفی دستنویس مجموعه شعری محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا اختصاص دارد. این مجموعه مشتمل بر دواوین چهار تن از شعرای قصیده‌سرا، ابوالفرج رونی، ازرقی هروی، انوری ابیوردی و عثمان مختاری است و در ۶۹۲ق به دست محمدشاه بن علی بن محمود اصفهانی کتابت شده است. سپس اسحاق بن قوام بن مجد همگر، نوّه مجد همگر (۶۰۷-۶۸۶ق)، بر اوراق سفید بین دواوین شعرا نسخه‌ای از رباعیات جد خود را، بالغ بر ۶۱۰ رباعی، تصحیح و کتابت کرده است. این مجموعه رباعی در تنها تصحیح غیر علمی دیوان مجد همگر در نظر نبوده است.

این نسخه رباعیات از چند جهت اهمیت دارد:

- ۱) قدمت و اصالت، زیرا یازده سال بعد از مرگ شاعر کتابت شده است.
- ۲) قالب اشعار، با اینکه مجد همگر یک شاعر قصیده‌سرای مدیحه‌پرداز است، این دستنویس تنها رباعیات او را دربردارد.
- ۳) توضیحات، درج عناوین توضیحی برای تعدادی از رباعیات، مربوط به محتوای شعر، سوانح زندگی شاعر و حوادث تاریخی و روابط سیاسی و اجتماعی آن دوران.
- ۴) انجامه منظوم و موزون یکی از نمونه‌های کهن انجامه‌های منظوم نسخه‌های فارسی است.

۵) نقل حکایاتی پیش از انجامه که از جهت شناخت وضعیت ادبی قرن هفتم ق در دوران خاندان جوینی و پایگاه و جایگاه مجد همگر اهمیت بسیار دارد. درج نسخه بدل بعضی الفاظ و مصراع‌ها، اعراب‌گذاری و مشکول کردن کلمات از دیگر کارهایی است که کاتب در حق اشعار جدش روا داشته است. براساس این نسخه برخی رباعیات سرگردان نیز شناخته می‌شود و روشن می‌شود که بخشی از رباعیات مجد همگر به خیام، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و احتمالاً عنصری نسبت داده شده است.

کلید واژه: مجد همگر (۶۰۷-۶۸۶ق)؛ اسحاق بن قوام بن مجد همگر (قرن ۷ق)؛ اصفهانی کرّانی، محمدشاه بن علی بن محمود (قرن ۷ق)؛ رباعیات؛ رباعیات سرگردان؛ عمر خیام؛ سهروردی؛ عنصری.

* پژوهشگر متون ادبی.

به سال ۶۹۷ق اسحاق بن قوام بن مجد همگر، نوّه مجد همگر شاعر معروف، که در شهر تبریز به سر می‌برد، به فرمان خواجه فخرالدین احمدفرزند خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ق) بر اوراق سفید دستنویس دواوین چهار نفر از قصیده‌سرایان بزرگ فارسی، ابوالفرج رونی، ازرقی هروی، انوری و عثمان مختاری، که در سال ۶۹۲ق در اصفهان کتابت شده بود، نسخه‌ای از رباعیات جد خود را تصحیح و کتابت کرد. وی در روز جمعه، پنجم ماه صفر، از کتابت رباعیات جدش فراغت یافت. درست یازده سال بعد از مرگ مجد همگر.

اسحاق بن قوام بن مجد همگر خط خوش و طبع شعر را هر دو از جد خود به ارث برده است. با این حال، جز همین نسخه، نه از شعر دیگری سراغ داریم و نه کتابتی.

مجد همگر

خواجه مجدالدین بن احمد همگر (۶۰۷-۶۸۶ق) از شعرای بنام ایران در قرن هفتم هجری است. پدرش احمد همگر یزدی، از فضلاء و محتشمان روزگار خود بود و در یزد می‌زیست. اما مجد همگر، به دلیل اقامت طولانی در فارس، به «مجد پارسی» شهرت یافت. وی در دوران حکومت ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۵۸ق)، ملک الشعرا دربار او بود و مدتی نیز شغل وزارت داشت. با برافتادن حکومت سلغریان فارس، مجد همگر به کرمان رفت و در مدح ترکان خاتون (د. ۶۸۰ق) شعر گفت و پس از چندی به خدمت خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان پیوست و از حمایت بزرگان خاندان جوینی برخوردار شد. شمس‌الدین جوینی در سال ۶۸۳ق به قتل آمد و مجد همگر این رباعی معروف را در رثای او بگفت:

از رفتن شمس از شفق خون بچکید

مه روی بخت و زهره گیسو بیرید

شب جامه سیاه کرد در ماتم و صبح

بر زد نفس سرد و گریبان بدرید^۱

به گفته دولت‌شاه سمرقندی «شیخ بزرگوار سعدی علیه‌الرحمه، چون این رباعی را بشنود، گریان شد و بر روح خواجه دعای خیر گفت و خواجه مجد را تحسین نمود»^۲.

مجد همگر اندکی بعد از زوال خاندان جوینی در هفدهم صفر سال ۶۸۶ از دنیا رفت. وی خطی نیکو داشت و تند می‌نوشت. بیشتر اشعار او در قالب قصیده است و درین شیوه بیشتر به سبک شاعران خراسان در قرن ششم هجری تمایل داشت.^۳ دیوان مجد همگر یک بار در سال ۱۳۷۵ به صورت غیر علمی به چاپ رسیده و مصحح کتاب، اگر بتوان نام تصحیح بر آن نهاد، از نسخه کهن رباعیات او بهره‌ای نبرده است. از سایر اقتضانات و ضروریات یک متن منقح و مصحح که بگذریم، تعداد رباعیات این چاپ بالغ بر ۵۵۵ رباعی است که کاستی‌هایش در قیاس با ۶۱۰ رباعی دستنویس نوۀ مجد همگر، که چند برگ آن نیز افتاده است، کاملاً مشخص است.^۴ این نسخه رباعیات از جهات متعدد اهمیت دارد و در مقاله حاضر به معرفی آن می‌پردازیم. مجد همگر را به دلیل کثرت و کمیت رباعیاتش می‌توان یکی از رباعی‌سرایان مهم قرن هفتم هجری به‌شمار آورد. اما به لحاظ کیفیت ادبی، رباعیات او در ردیف رباعیات طراز اول زبان فارسی قرار ندارد.

ویژگی‌های نسخه

دستنویس رباعیات مجد همگر، به‌خاطر داشتن چند ویژگی، دستنویسی قابل تأمل و بررسی است:

قدمت و اصالت. دستنویس رباعیات مجد همگر ۱۱ سال بعد از مرگ شاعر کتابت شده است و از لحاظ قدمت، در بین دستنویس‌های اشعار شعرای متقدم، یکی از منابع منحصر به‌شمار می‌آید. به‌ویژه آنکه این دستنویس را یکی از نزدیکان شاعر که نوۀ اوست با توجه به انس و آشنایی با شیوۀ سخن او کتابت کرده است. جمع این دو ویژگی

در کمتر نسخه‌ای از اشعار کهن پارسی دیده شده است. دسترسی نوۀ مجد همگر به نسخه اصیل و صحیح دیوان جد خود، امکان تغییر و تحریف اشعار او را تا حد زیادی کاهش داده است.

قالب اشعار. این دستنویس تنها بخشی از اشعار مجد همگر را دربردارد، آن هم در یک قالب خاص: رباعی. با اینکه مجد همگر در دوران خود به‌عنوان یک شاعر قصیده‌سرای مدیحه‌پرداز شناخته می‌شد، نوۀ او ترجیح داده است رباعیات او را گردآوری و کتابت کند. انتخاب اشعار یک شاعر برحسب قالب جزو موارد نادر در گزینۀ پردازش است. **توضیحات.** از مزایای خاص این نسخه، درج عناوین توضیحی برای تعدادی از رباعیات است. بخشی از این عناوین به توضیح محتوای شعر می‌پردازد و بخش دیگر آن، که برای ما اهمیت بیشتری دارد، توضیحات مربوط به سوانح زندگی شاعر، حوادث تاریخی و روابط سیاسی و اجتماعی آن دوران است و پژوهشگران را در شناخت احوال مجد همگر مدد می‌رساند.

انجامه. انجامه منظوم و موزونی که اسحاق بن قوام بن مجد همگر در پایان رباعیات جدش آورده است، یکی از نمونه‌های کهن انجامه‌های منظوم نسخه‌های فارسی است.*
از منطق الطیر عطار نسخه‌ای به‌خط نستعلیق مربوط به اوایل قرن هشتم هجری هست که گویا کاتبی به نام «خسرو» آن را در ۲۵ رمضان سال ۷۲۷ کتابت کرده است. عده‌ای با توجه به خط نسخه در اعتبار این تاریخ شک کرده‌اند، اما آقای نجیب مایل هروی معتقد است که خط نستعلیق در اوایل قرن هشتم ق نیز بین کاتبان رایج بوده است.^۵ انجامه دستنویس مورد اشاره نیز منظوم است و به‌نظر می‌رسد تاریخ آن مربوط به مادر نسخه باشد، نه دستنویس فعلی. در هر دو وجه، قدمت انجامه منظوم منطق الطیر کمابیش مورد تأیید است.

معرفی نسخه

اصل دستنویس، همان‌طور که گفته شد، مجموعه دواوین چهار تن از شعرای قصیده‌سرای فارسی است. دستنویس در وضعیت فعلی ۱۷۹ گ دارد. اصل دستنویس هم‌اکنون

^۱ محمد بن بدر جاجرمی، مؤسس الأحرار فی دقایق الأشعار، به‌اهتمام میرصالح طیبی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، ۲: ۱۲۱۵؛ «فی المرثیة صاحب سعید شهید خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان». محمد جاجرمی نامی از گویندۀ رباعی نبرده است، اما به‌جهت قدمت ضبط، متن را بر این منبع استوار کردیم. نک: مجد همگر، دیوان، به‌تصحیح و تحقیق احمد کرمی (تهران: ما، ۱۳۷۵)، ص ۷۳۵.

^۲ دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به‌تصحیح و اهتمام ادوارد براون (لیدن: بریل، ۱۹۰۰)، ص ۱۰۶.

^۳ نک: ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (تهران، ج ۴، فردوسی، ۱۳۶۳)، ۳: ۵۲۳ - ۵۳۵.

^۴ نسخه‌ای از رباعیات مجد همگر که نگارنده بر مبنای چند دستنویس دیوان او و جنگ‌ها و مجموعه‌های کهن و تذکره‌های خطی و چاپی فراهم آورده در برادرندۀ ۱۱۰۰ رباعی است.
^۵ نجیب مایل هروی، نقد و تصحیح متون (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۹)، ص ۱۰۰-۱۰۱.

الرحیم / بحق نبیه الشریف / الشفیع.
 به نوشته جلال همائی، کاتب نسخه از خاندان شادبخت اصفهانی است، یعنی «محمد شاه بن علی بن محمود بن شادبخت اصفهانی» که به فضل و علم و ادب و هنر خوشنویسی و داشتن نسخ معتبر دواوین شعرای قدیم یگانه عهد خود بوده و از راه کتابت و امانت در نقل کتب، خدمتی بزرگ به فرهنگ و ادبیات فارسی کرده است؛ چه یک قسمت از بهترین نسخ دواوین شعرا که از قرن هفتم هجری به یادگار مانده نمونه‌های خط و هنر اوست. از جمله دیوان انوری است که در تملک وحیدالملک بوده و به خارجی‌ها فروخته شده است، در پایان آن نسخه می‌نویسد: تمام شد دیوان امیر حکیم اوحدالملة والدین عمادالاسلام و المسلمین تاج الشعرا علی بن محمد بن اسحق الانوری تغمده الله بغفرانه و ادر علیه صوب رضوانه بر دست بنده ضعیف محمدشاه بن علی بن محمود بن شادبخت الاصفهانی ساکن بمحلت کران در روز شنبه بیست و سوم ذی الحجه سنه تسع و ستین و ستمائه.^۹
 از قلم محمدشاه اصفهانی، مجموعه دواوین متعلق به کتابخانه چستریبیتی ایرلند (ش ۱۰۳) که مشتمل بر دیوان ده تن از شعرای فارسی است، باقی مانده است: کمال الدین اسماعیل اصفهانی، عبدالواسع جبلی، رشیدالدین وطواط، ابوالفرج رونی، ازرقی هروی، شمس الدین طبسی، نجیب الدین جرفادقانی، رفیع الدین لبنانی، امامی هروی و انوری ایبوردی. این نسخه در سال ۶۹۹ق به تفاریق توسط محمدشاه اصفهانی و کاتبی دیگر به نام ابونصر محمد بن احمد بن علی بن برجق بن بنمان یمانی کتابت شده و فیلم و عکس آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.^{۱۰} این دستنویس در تصحیح دیوان کمال اسماعیل اصفهانی، شمس طبسی و رفیع الدین لبنانی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۱۱}

به شماره ۳۷۱۳ در کتابخانه موزه بریتانیا در انگلستان نگه‌داری می‌شود و تصویری از آن، که مرحوم استاد مجتبی مینوی برای خود تهیه کرده بود، به شماره ۲۳۴ و ۲۳۵ در کتابخانه مینوی موجود است. مینوی در نسخه عکسی خود (آغاز دیوان ابوالفرج رونی) توصیفی از دستنویس به دست داده است که بخش‌هایی از آن در پی می‌آید:

این نسخه که در بریتیش میوزیوم مضبوط است، مجموعه‌ای است مشتمل بر چهار دیوان که در اصفهان در اواخر قرن هفتم هجری تحریر شده است. کاتب مجموعه محمدشاه بن علی بن محمود اصفهانی ساکن محلت کران^۶ بوده است و تاریخ ختم مجموعه در ورق ۱۷۰ ب این طور آمده است:

روز سه شنبه ششم ربیع الآخر سنه ۶۹۲.

دیوان‌های چهارگانه این مجموعه به ترتیب عبارتند از:

— دیوان ابوالفرج رونی (۱۵ ورق): گ ۲ — ۱۷.

— دیوان ازرقی هروی (۱۷ ورق و نیم): گ ۱۸ — ۳۵.

— دیوان انوری ایبوردی (۸۷ ورق و نیم): گ ۳۶ — ۱۲۲.

— دیوان عثمان مختاری (۴۸ ورق و نیم): گ ۱۲۵ — ۱۷۰.

رقم کتابت در گ ۱۷۰ ب دستنویس و در پایان دیوان

عثمان مختاری چنین آمده است:

تمام شد دیوان ملک الشعرا حکیم الزمان قریع الدهر /
 افصح العجم بهاءالدین اختیار الملوک و السلاطین /
 عثمان مختاری بعون الله تعالی و حسن تیسیره و الصلوة /
 علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین و عترته الطاهرین /
 بر دست بنده ضعیف نحیف محمدشاه بن علی بن محمود اصفهانی / ساکن بمحلت کران روز سه شنبه ششم ربیع الآخر سنه ۶۹۲ / غفر الله ذنوبه و لوالديه و لصاحبه و لقاریه و لجمیع / المسلمین و المسلمات و المؤمنین / و المؤمنات. انه هو الغفور / الودود الرئوف

^۶ به گفته لسترنج، در جای شهر اصفهان قبلاً چهار قریه قرار داشته که اسامی آنها بعداً روی چهار محله شهر باقی مانده و آنها عبارت بودند از: کران و کوشک و جوباره و دردشت (نکا: لغتنامه دهخدا، ص ۱۸۲۳۳). در اشعار مجد همگر نیز به این محله اشاره رفته است: ماه شعبان چو روز عاشورا است / کربلا شد محله کران (مجد همگر، ص ۳۲۵). نیز نک: جلال الدین همائی، مختاری نامه (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱)، ص ۶۲ (پ ۳).

^۷ نک: محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار، فهرستواره کتابخانه مینوی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۴)، ص ۱۲۸.

^۸ توصیف این نسخه را کمابیش در مقدمه دیوان‌های چاپ شده شعرای مذکور می‌توان دید. نک: دیوان ابوالفرج رونی، به اهتمام محمود مهدوی دامغانی (مشهد: کتابفروشی باستان، ۱۳۴۷)، ص ۳۷ و پنج. مصحح این دیوان، فقط صفحات مربوط به دیوان رونی را در اختیار داشته و چون رقم کاتب در انتهای دیوان عثمان مختاری است، از تاریخ دقیق کتابت خبر نداشته و از قول مینوی، آن را سال ۶۹۱ یا ۶۹۲ ق (باتریدید) دانسته است؛ دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹)، ص ۱: ۱۲۸. به گفته مصحح، بین ورق ۱۱۰ و ۱۱۴ دو ورق پس و پیش شده بود و در اصل نسخه از آخر دیوان انوری یک ورق ساقط است؛ همائی، مقدمه دیوان عثمان مختاری، ص ۸ — ۱۰؛ همائی، ص ۵۱ — ۷۲. مصحح شماره نسخه را اشتهاً ۴۵۱۴ قید کرده و مقداری از رباعیات مجد همگر را نیز جزو رباعیات مختاری غزنوی داخل دیوان او کرده است، که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

^۹ همائی، ص ۶۲. از این کاتب، به غیر از نسخه دیوان انوری ذکر شده در کلام همائی متعلق به وحیدالملک، و دیوان موجود در نسخه موزه بریتانیا، نسخه‌ای نیز جزو مجموعه دواوین کتابخانه چستریبیتی ایرلند به سال ۶۹۹ ق باقی است.

^{۱۰} محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)، ص ۱: ۶۳۰.

^{۱۱} کمال الدین اسماعیل اصفهانی، دیوان، به اهتمام حسین بحرالعلومی (تهران: دهخدا، ۱۳۴۸)، ص نود و هفت؛ دیوان رفیع الدین لبنانی، به اهتمام تقی بینش (تهران: پازنگ، ۱۳۶۹)، ص ۳۲ — ۳۶؛ دیوان شمس طبسی، به اهتمام تقی بینش (مشهد: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۳)، ص سی و هفت — چهل.

دستنویس دارای ۴۱۶ گ است و دیوان‌های رشید و طوطا، ابوالفرج رونی، ازرقی هروی، شمس طبسی، نجیب جرفادقانی، رفیع لبنانی و بخش اول و سوم دیوان انوری به قلم محمد شاه است و دیوان کمال اسماعیل، عبدالواسع جبلی، امامی هروی و بخش دوم دیوان انوری به قلم کاتب دوم. رقم کاتب در پایان دیوان عبدالواسع جبلی (آغاز ذوالحجه ۶۹۹)، رشید و طوطا (آخر ذوالقعدة ۶۹۹)، ابوالفرج رونی (نیمه شوال ۶۹۹) و پایان دیوان انوری (۲۳ ذوالحجه ۶۹۹) قید شده است. از محمدشاه اصفهانی نسخه‌ای از تاریخ جهانگشای جوینی به تاریخ ۶۹۸ ق^{۱۲} و نسخه‌ای از تاریخ طبری به تاریخ شنبه ۱۸ شوال ۷۰۱ موجود است.^{۱۳}

توصیف دستنویس رباعیات مجد همگر

اسحاق بن قوام بن مجد همگر، نوۀ مجد همگر شاعر، رباعیات جدّ خود را در اوراق سفید بین دواوین شعرا و آخر دیوان عثمان مختاری در چهار بخش کتابت کرده است. تعداد رباعیات در وضعیت فعلی دستنویس بالغ بر ۶۱۰ رباعی است. رباعیات برحسب حروف تهجی قوافی تنظیم شده است و افتادگی‌های نسخه را از روی قافیه‌های رباعیات مجد همگر می‌توان معلوم کرد. مینوی نوشته است: تا آنجا که من دیده‌ام، این نسخه رباعیات قدیمترین نسخه خطی فارسی تاریخ دار است که اشعار شاعری را در آن بر حسب قوافی به حروف تهجی مرتب کرده‌اند. نسخه در این بخش دارای جدول بندی چهار ستونی است و در هر صفحه به تقریب ۳۰ رباعی کتابت شده است. رباعیات عموماً با لفظ «وله» به هم ربط یافته‌اند، اما تعدادی از آنها دارای عنوان توضیحی است که در شناخت زندگانی شاعر، و درک موقعیت اشعار او بسیار مفید است. اینک توصیفی از دستنویس را می‌آوریم، و جزئیات را بعداً ذکر خواهیم کرد: **بخش نخست.** رباعیات مجد همگر از پایان دیوان ابوالفرج رونی، از گ ۱۷ ب، آغاز می‌شود: «الرباعیات من کلام خواجه مجدالدین همگر رحمه الله. حرف الالف. در غلام اشکوه دار گوید: دیدمش چو سرو سهی آن سبز قبا...».

رباعیات این بخش تا پایان گ ۱۸ الف امتداد یافته است

و شامل رباعیات حرف الف، ب، و بخش آغازین رباعیات حرف تاء است و جمعاً ۶۱ رباعی دارد.

بخش دوم. در دنباله دیوان ازرقی هروی، ۵۶ فقره دیگر از رباعیات مجد همگر در گ ۳۵ ب و ۳۶ الف جای گرفته است و مشتمل بر ادامه رباعیات حرف تاء است:

رباعیات خواجه مجدالدین همگر رحمه الله این رباعی در زندان گفته است. در حبس سلطان سعید ابوبکر بن سعد: با حکم خدایی که قضایش این است... .

بخش سوم. از آخر دیوان انوری ظاهراً یک ورق افتاده و بخشی از رباعیات مجد همگر که از انتهای دیوان انوری آغاز می‌شده است، به قاعده یک برگ (حدود ۳۰ رباعی) از دست رفته است. رباعیات مجد همگر در ورق شماری

فعلی از گ ۱۲۳ الف آغاز شده و تا گ ۱۲۵ الف امتداد یافته است. تعداد رباعیات این بخش ۱۵۷ عدد است و تماماً به رباعیات حرف دال اختصاص دارد:

«وله: تا چرخ زمین را مدد از خور ندهد...».

بخش چهارم. مابقی ۳۳۶ رباعی مجد همگر در دنباله دیوان عثمان مختاری غزنوی جای گرفته است (ب ۱۷۰ ب تا ۱۷۹ الف):

«رباعیات مولانا معظم مجدالدین همگر رحمه الله از خاک ددی که شور بر می‌خیزد...».

این بخش شامل دنباله رباعیات حرف دال تا حرف یاء است. در بین اوراق این بخش یک یا دو ورق افتاده است و بخشی از رباعیات حرف میم، کل رباعیات حرف نون و واو و هاء، و نیمی از رباعیات حرف یاء از دست رفته است (حدود ۱۲۰ رباعی).

در صحافی مجدد بعد از گ ۱۷۱، اشتباهاً یک ورق از رباعیات عثمان مختاری جای گرفته است. جلال همائی، هنگام تصحیح دیوان عثمان مختاری متوجه این جابه‌جایی نشده، و ۲۴ رباعی عثمان را در این دستنویس نادیده گرفته است. ظاهراً نسخه عکسی بی‌کی که در اختیار داشته فاقد انجامه نوۀ مجد همگر بوده است. از همین رو، همائی کاتب هر دو بخش را یکی می‌پنداشته است.^{۱۴} و ازین رهگذر، دو فقره از رباعیات مجد همگر را نیز داخل رباعیات عثمان مختاری کرده است:

^{۱۲} جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام محمد قزوینی (لیدن: بریل، ۱۹۳۷)، ۳: یو. نام و نشان و رقم مؤلف در پایان نسخه چنین است: «محمد شاه بن علی بن محمود بن شادبخت الاصفهانی المعروف به شیخ الحافظ ساکن محلت کران فی منتصف ذی القعدة سنة ثمان و تسعين و ستمائة در عهد خانیب غازان از روی نسخه صاحب دیوان». درج شهرت کاتب با عنوان «شیخ حافظ»، از اطلاعات جدیدی است که از انجامه این نسخه بر می‌آید.

^{۱۳} تاریخنامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد روشن (تهران، ج ۲، سروش، ۱۳۸۰)، ۱: چهل و نه.

^{۱۴} همائی، مختاری نامه، ص ۶۲: «بعد از دیوان مختاری، با همان خط اما با سطر بندی و جدول کشی و اسلوبی که کاملاً مشخص و ممتاز از متن دیوان است، شروع می‌شود به رباعیات مجد همگر.»

— ای دوست! تو غم با من غمساز گذار.

— اندیشه عشقت دم سرد آرد بار. ۱۵

این دو رباعی سه قافیه‌ای، در نسخه‌های دیگر نیز جزو رباعیات مجد همگر یاد شده و اسلوب آنها نیز به رباعیات چهار قافیه‌ای عثمان مختاری هیچ ماندگی ندارد. ۱۶
در ورق پایانی دستنویس (گ ۱۷۹)، پیش از انجامه اسحاق بن قوام بن مجد همگر، حکایاتی نقل شده است که از جهت شناخت وضعیت ادبی قرن هفتم هجری در دوران خاندان جوینی و پایگاه و جایگاه مجد همگر اهمیت بسیار دارد:

وقتی صاحب شمس الدین [جوینی]، پروانه روم را در تبریز طی کرده بود، جمعی بزرگان حاضر... بودند. در اثناء معاشرت، بحث اشعار کردند. هر کس طرفی اختیار کردند. خواجه صاحب دیوان فرمود که خواجه مجدالدین همگر اینجاست، ازو سؤال کنیم که از غایت انصاف جواب راست بگوید. هر کس چیزی بگفتند. از جمله معین الدین پروانه روم گفت:

ز شمع فارس، مجد دولت و دین،

سؤالی می کند پروانه روم

دیگر، صاحب دیوان شمس الدین گفت:

چو دولت، حضرتش را هست لازم

دعاگو، صاحب دیوان ملزوم

دیگر، نورالدین رصدی گفت:

ز شاگردان تو هستند حاضر

رضی و افتخار و نور می‌شوم

دیگر، رضی الدین بابا گفت:

ز اشعار تو، سعدی و امامی

کدامین به پسندند اندران بوم

دیگر، ملک افتخارالدین گفت:

تو کن تعیین این، چون ملک انصاف

بود در دست تو چون مهره موم

خواجه به جواب فرمود:

ماگر چه به نطق طوطی خوش نسیم

بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم

در بیعت شاعری، به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نسیم

چون امامی بشنود، این رباعی فرمود:

در صدر بلاغت ارچه با دسترسیم

در عالم نظم ارچه مسیحا نسیم

دانم که به خاک در دستور جهان

سحبان زمانه، مجد همگر، نسیم

چون به سعدی رسید، او فرمود:

هر کس که به پایگاه سامی نرسد

از بخت بد و سیه گلیمی نرسد

همگر چو به عمر خود نکرده ست نماز

آری چه عجب گر به امامی نرسد ۱۷

دکتر صفا این روایت را مشهور اما جعلی دانسته است. ۱۸ ولی با توجه به روایت نوه مجد همگر به فاصله زمانی اندک با اصل رویداد و نسبت او با مجد همگر، دلیلی نیست در صحت این حکایت تردید کنیم.

امروزه تقریباً هیچ کس شکی ندارد که امثال مجد همگر و امامی در ادب فارسی تنها از جنبه تاریخی حایز اهمیت اند و مقایسه این دو با سعدی، قیاسی مع الفارق محسوب می‌شود. اما در آن دوران، در ذهن بزرگان هنوز تکلیف جایگاه این سه شاعر معلوم نبود و حتی عده‌ای که مرجع فکری جامعه هم بودند رتبه سعدی را از امامی هروی و مجد همگر فروتر می‌دانستند.

شاید گفته شود این حکایت مربوط به دورانی است که سعدی هنوز سعدی نبود. یعنی اشعار و آثار مهمش را خلق نکرده بود. تاریخ این واقعه بی شک قبل از سال ۶۷۵ق است که معین الدین پروانه را به فرمان اباقا خان مغول به طرز فجیعی کشتند. اجتماع این افراد نیز نمی‌تواند خیلی پیش از همین تاریخ صورت گرفته باشد. حدود دو دهه پیش ازین، بوستان و گلستان سعدی در بین عموم مردم شهرت یافته و صیت سخن سعدی تقریباً همه ممالک پارسی زبان را فرا گرفته بود. یعنی، شخصیت شعری سعدی شکل گرفته بود و آثار مهمش را آفریده بود. بنابراین، مشکل از قوام نیافتگی شخصیت شعری سعدی نبود. مشکل، دشواری تشخیص جایگاه واقعی شاعران در زمان حیاتشان است. حتی اگر پای سخن شناسی چون مجد همگر در میان باشد که در

۱۵ عثمان مختاری، دیوان، به اهتمام جلال الدین همائی (تهران، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۶۱۸ - ۶۱۹.

۱۶ رک. مجد همگر، ص ۷۵۶ - ۷۵۷.

۱۷ ردیف شعر در دستنویس، در مصراع نخست «نرسد»، و در مصراع دوم و چهارم، «نرسید» است. در منابع دیگر، همان «نرسد» قید شده است (نک: مجد همگر، ص ۴۱). گفتنی است دولت‌شاه سمرقندی این حکایت را به نقل از صاحب نزهة القلوب در تذکره خود نقل کرده است (تذکره الشعراء، ص ۱۶۶ - ۱۶۷).

۱۸ صفا، ۳: ۵۴۹.

قرن هفتم مرجع فضلا بود و به سخن سنجی او اعتماد داشتند.^{۱۹} نسخه به خط نسخ جلی نوشته شده و کاتب، در پایان دستنویس، این قطعه منظوم را به عنوان انجامه درج نموده است: منت خدای را که به فرخنده روزگار / از قطره‌های ژاله این کلک مشکبار / زیب و جمال یافت به تصحیح سربسر / مانند باغ از ابر گهر بار در بهار / این نسخه رباعی از اشعار جدم، آنک / هر لفظ از او به قیمت درزی است شاهوار / در روز جمعه پنجم ماه صفر که هست / «خی، صاد و زی» ز هجرت تاریخش از شمار / بر موجب اشارت مخدوم اعظم آنک / چرخ است کامران و جهانی است کامکار / فرخنده فخر ملت و دین، خواجه جهان / دارنده زمانه و دارای روزگار / آن در بحر خواجه دنیا نصیر حق / احمد خجسته سایه الطاف کردگار / دایم قرار دولت او باد تابود / بنیاد چرخ و قاعده دور بر قرار / جاهش چنانک صیبتش ازین نظم، جاودان / عمرش چنانک نامش ازین شعر، پایدار / کاتبه و قائله العبد الاصغر اسحق ابن قوام مجد همگر و کتب بمقام تبریز حماها الله تعالی و الحمد لله شکرأ.

این خواجه فخرالدین احمد که کاتب رباعیات مجد همگر به اشارت او صورت گرفته است، کهنترین فرزند خواجه نصیرالدین طوسی بوده است.^{۲۰} اسحاق همگر به کار خود عنوان تصحیح نهاده است: «زیب و جمال یافت به تصحیح سربسر». تصحیح او شامل دو بخش است: اول، درج نسخه بدل بعضی الفاظ و مصراع‌ها در حاشیه نسخه یا بالای کلمه یا مصراع مورد نظر است. و دیگر، اصلاح بعضی لغات متن است که در نگارش نخست، از زیر قلم او در رفته بوده است:

— روزی دو به وعده خودم زنده بدار (خودم ← خوشم) / گ ۱۷ ب.

— با صبح دوم بگوی کز بهر خدا (با صبح دوم ← صبح دومت بگوی) / همان.

— پس دیده و گوشم ار نباشد، شاید / چون نشنوم آواز و نبینم رویت

← (من دیده و گوش را بدان می خواهم / تا بشنوم آواز و ببینم رویت) / گ ۱۸ الف.

— مهر تو فزون گردد و کین گردد راست (گردد ← گیرد) / گ ۳۵ ب.

و البته، سهو و سقط‌هایی نیز در قلمش راه یافته که به اصلاح نرسیده است. فی المثل، در مصراع: «هر آب که بی رخ تو خوردم آتش باد» (گ ۱۲۴ الف) که در نسخه دیگر، شکل صحیح آن چنین است: «هر آب که بی تو خورم آن آتش باد».^{۲۱} اعراب‌گذاری اشعار و مشکول کردن کلمات از دیگر کارهایی است که کاتب در حق اشعار جدش روا داشته.

از مهم‌ترین فواید این نسخه، درج عناوین تعدادی از رباعیات است که در توضیح موضوع شعر و روشن شدن زمینه تاریخی آن مؤثر است. البته، این عناوین دو گونه‌اند:

— در حکمت: ای دل ز جهان بجز خرابی مطلب (گ ۱۸ الف).

— در اشتیاق گوید: یاری که همه نور دل و دینم ازوست (همان).

— در نویدی معشوق: عشقت که غمش جراحت جاوید است (همان).

— وله بهجو واحدأ: در ایگ زدی دست و ره امن بیست (همان).

— در فایده‌های عشق: از اشک رخم نمونه گلزار است (گ ۳۵ ب).

— در امید وصال: دل در برم از فراق دیوانه‌وش است (همان).

— در حبس گوید: این رسم نگر که دهر پُر شور نهاد (گ ۱۲۴ ب).

— مرثیه معشوق: هر صبح چو بی تو نوحه از سر گیرم (گ ۱۷۷ ب).

— در حکمت و تحقیق: ای دل زی غرور مستی تاکی؟ (گ ۱۷۹ الف).

تعدادی از عناوین رباعیات هم اشاراتی به سوانح زندگی شاعر و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اشعار او دارد که اهمیت آنها بر کسی پوشیده نیست:

^{۱۹} در باب اعتماد فضلاقی قرن هفتم به تشخیص ادبی مجد همگر، به‌طور مثال می‌توان به پرسش و پاسخ منظومی اشاره کرد که فضلاقی کاشان با او در مورد ترجیح و تفضیل شعر انوری و ظهیر کرده‌اند. و مجد همگر پاسخ ایشان را در آخر رجب سال ۶۷۴ طی قطعه‌ای بفرستاد و انوری را بر ظهیر ترجیح داد (نک: مجد همگر، ص ۶۵۱-۶۵۳). روایت این داوری را خوانند میر در کتاب حبیب السیر (۳: ۱۱۸؛ به نقل از صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۳: ۵۳۱) آورده و شکل کامل تر آن به همراه پاسخ‌های مبارک‌شاه و امامی هروی در خلاصه‌الاشعار تقی‌الدین کاشانی درج شده است (دستنویس ش ۷۷۹۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران سده ۱۱ق، گ ۳۷۰ ب - ۳۷۱ الف).

تقی کاشانی گوید: ارباب طبع و ادراک و صاحبان فهم دراک دایم الاوقات در حل و عقد قوانین شعر رجوع به او می‌کرده‌اند و در تمیز اشعار و امتیاز شعرای عالی‌مقدار، متابعت و مطاوعت او را سبب تحقیق و تدقیق شناخته‌اند (همانجا، گ ۳۷۰ ب؛ نیز نک: تذکره الشعراء، ص ۱۷۷).

^{۲۰} در مورد او، نک: محمد تقی مدرس رضوی، احوال و آثار نصیرالدین (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴)، ص ۷۳-۷۵.

^{۲۱} این رباعی در نسخه چاپی دیوان مجد همگر نیست. مأخذ ما دستنویس دیوان مجد همگر متعلق به کتابخانه بادلیان آکسفورد است که در قرن دهم هجری کتابت شده است.

غلامان خود (و دیگران؟) گفته است گویای مناسبات و روابط اجتماعی خاص آن دوران است:

— در غلام اشکره دار گوید: دیدمش چو سرو سهی آن سبز قبا (گ ۱۷ ب).

— در غلامی مراغی گوید: تانعل در آتش تو داغ است مرا (همان).

— در غلام مغاج نام: جای غمت این دل پریشان من است (گ ۳۶ الف).

— در غلام مسعود نام: دشمن که در اصلش کرم و جود نبود (گ ۱۲۵ الف).

— در غلام گلشارخ نام: از طرف چمن شاه ریاحین بردار (گ ۱۷۱ ب).

— در غلام زنگی نام: دیدیم و بدیده‌اند بسیار کسی (گ ۱۷۸ الف).

— در غلام سبز قبا: شاهی که ز مشک تاج بر سر داری (گ ۱۷۹ الف).

در این مجموعه، یک رباعی با گویش اصفهانی قدیم نقل شده است که بسیار با اهمیت است. البته، شکل صحیح و اصلی شعر معلوم نیست چه بوده و دچار چه تغییراتی شده است. ما آن را همان گونه که در نسخه آمده است، باز می‌نویسیم (گ ۱۷۱ ب):

دو بیته بزبان و بیان سپاهانی

وینکت گورت دبرنی زارای زار

وارت چون بکلت کوات نبو وات ویکار

واب نشجه هی کرو دحالی و اب بوسو

دیم کب و ریش وی بُسر و حسم دکار ۲۳

کاتب در بازخوانی شعر، نسخه بدل یا صورت صحیح دو کلمه رباعی را در بالای متن نوشته است: در مصراع دوم بالای «وارت»، «وات» ثبت شده است و در مصراع سوم، به جای «دحالی»، «دهاک». اغلب کلمات شعر بی نقطه است و به گفته دکتر علی اشرف صادقی، «پیداست خود اسحاق بن قوام بن مجد همگر نیز این دو بیته را به همان صورتی که در منبع خود دیده بوده نقل کرده و معنای آن را نمی‌دانسته است».^{۲۴}

— این رباعی در حبس سلطان سعید ابوبکر بن سعد گفته است: تا حکم خدایی که قضایش این است (گ ۳۵ ب).

— در حالت فترت فارس و تواتر سفر: ای چرخ عنانم از سفر هیچ متاب (گ ۱۸ الف).

— در عین الملک تازی یک فرماید: گر مه ز درت کلاه زرین اندوخت (گ ۳۶ الف).

— از زبان پسر کودک گوید اتابک را: بط بچه‌ام و ز جود تو چینه‌ام است (همان).

— هم از حبس به خدمت سلطان ابوسعید نوشت: گیرم که مرا خدمت تو شاهی داد (گ ۱۲۳ الف).

— در مرثیت سلطان سعید ابی بکر فرماید: بی نام تو نقش سکه وارون گردد (گ ۱۲۳ الف).

— تهنیت عید سلطان سعید گوید: هر سر که ترا بر خط فرمان گردد (همان).

— در بزم، سلطان سعید او را به شمع و گل امتحان فرمود: در بزم تو شمع عشرت افروخته باد (همان).

— سلغر سلطان را گوید: گر در خور جود پادشاهی باید (گ ۱۲۴ الف).

— در عذر قیام سلغر سلطان: شاهاکرمت از پی آن برخیزد (همان).

— شمس‌الدین صاحب دیوان را گوید: گردون ز تو هیچ راز مستور ندید (گ ۱۲۵ الف).

— ظهیرالدین مستوفی را گوید: پرورده گوزک آن دد دون پرور (گ ۱۷۱ ب).

— رضی‌الدین بابا قزوینی ظاهر شریعت را زیادت رعایت نکردی، این رباعی در آن باب به موصل نویسد:

یادم چو شهادت به زبان می‌ناری (گ ۱۷۸ الف).

— در بیماری اتابک گوید: گر نه تن و جان مختصر داشتمی (همان).

— میان او و ملک مرحوم صدرالدین تبریز دوستی قدیمی بود و راه مکاتبات و مراسلات گشاده. چون خواجه مجدالدین به تبریز رسید، ملک صدرالدین الطاف بسیار فرمود و او را به خانه خود آورد...^{۲۲}: در خواب بدیدم پدرت دوش غمی (گ ۱۷۹ الف).

— سلطان با او دوستگانی خورد، فرمود: امروز که جام دوستگانم دادی (همان).

از لحاظ اجتماعی، تعدادی از رباعیات او که در حق

^{۲۲} دنباله عبارت به خاطر برش خوردن لبه کاغذ از دست رفته است.

^{۲۳} درباره این رباعی یا دو بیته، نک: سید علی میرافضلی، «چند فهلوی ناشناخته»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۹)، ش ۱: ۱۸ - ۲۰؛ نیز نک: علی اشرف صادقی، «توضیح درباره فهلوی‌های اصفهانی و همدانی» همانجا، ص ۲۱ - ۲۳. ^{۲۴} همان، ص ۲۱.

رباعیات سرگردان

معضل رباعیات سرگردان همواره گریبان‌گیر پژوهش‌های مربوط به رباعی فارسی است و ظاهر آن گریز و گزیری نیست. در رباعیات مجد همگر نیز ما با این مشکل مواجهیم. بخشی از رباعیات مجد همگر، در سفر تاریخی خود، با تغییر چهره به کاروان رباعیات خیام پیوسته است. همان طور که می‌دانیم، مجد همگر در دوران حکومت اتابک ابوبکر، به‌رغم تقریبی که به درگاه این اتابک داشت، به‌تهدمتی گرفتار آمد و شش ماه را در بند گذراند (۶۳۷-۶۳۸ ق).^{۲۵} بازتاب این حادثه، در شعرهای مجد همگر فراوان است و به رباعیات او نیز راه یافته است. دو فقره از رباعیات او که به این واقعه اختصاص دارد، با تغییر واژگان سر از مجموعه رباعیات منسوب به خیام در آورده است (گ ۱۷۲ ب):

یک یک هنرم بین و گنه ده ده بخش

جرمی که نرفت، حسبه لله بخش

از باد دروغ آتش خشمت مفروز

و آب رخ من به خاک سلغرشه بخش

این رباعی البته اشاره مستقیمی به زندانی بودن شاعر ندارد. ولی تقاضای بخشش شاعر در واقعه‌ای که موجب آن دروغ بدگویان بوده است، و تمسک به روح سلغر شاه جد اتابکان سلغری، شکی باقی نمی‌گذارد که این رباعی مربوط به همان واقعه است. شکل دگرگون یافته رباعی در مجموعه رباعیات منسوب به خیام چنین است:

یک یک هنرم بین و گنه ده ده بخش

هر جرم که رفت حسبه لله بخش

از باد هوا آتش قهرت مفروز

مارا بسر خاک رسول الله بخش^{۲۶}

البته، در این تغییر و تبدل از «سلغر شه» به «رسول الله»، آنکه از خود چنین ذوقی به خرج داده، متوجه تکرار قافیه نبوده و تنظیمات هندسی شاعر را در گنجاندن عناصر اربعه در بیت دوم رباعی به هم زده است.

رباعی دوم که به دلیل افتادگی اوراق دستنویس در حرف میم در نسخه فعلی موجود نیست اشاره به دوران زندانی بودن شاعر دارد و ناخرسندی او از معامله‌ای که روزگار با او کرده است:

ای چرخ! ز گردش تو خرسند نیم

آزادم کن که لایق بند نیم

گر میل تو با بی هنر و نا اهل است

من نیز چنان اهل و هنرمند نیم^{۲۷}

با توجه به اینکه این رباعی هیچ اشاره تاریخی مشخصی ندارد، تغییر زیادی در آن راه نیافته است. اما اشارت مربوط به دربند بودن شاعر همچنان در آن باقی است و معلوم نیست گرد آورندگان مجموعه رباعیات منسوب به خیام در این باب چه اندیشه‌ای در سر داشته‌اند.^{۲۸}

جز این دو رباعی، یکی دیگر از رباعیات مجد همگر نیز در مجموعه رباعیات منسوب به خیام راه یافته و حتی فروغی نیز آن را جزو رباعیات خیام گنجانده است:

گه وقت خوشت به بت پرستی گذرد

گه در غم نیستی و هستی گذرد

می‌خود که چنین عمر که غم در پی اوست

آن به که به خواب یا به مستی گذرد

(گ ۱۲۴ الف)^{۲۹}

به غیر از خیام، تعدادی از رباعیات مجد همگر به اسم شاعران دیگر هم دیده شده است. مثلاً رباعی زیر:

هجر تو نقاب خوابم از دیده گشاد خوناب دل کبابم از دیده گشاد
یاد تو چه آتشی است کاندر دل من حالی چو در آمد، آبم از دیده گشاد
(گ ۱۲۴ ب)

در دو فقره از منابع که تقریباً همزمان با دستنویس رباعیات مجد همگر فراهم آمده‌اند به اسم سهروردی نقل شده است: سوانح الافکار رشیدالدین فضل‌الله و روضة الناظر عزیز کاشی^{۳۰} و اگر در هر منبع دیگری به اسم مجد همگر آمده بود، ولو کهن، بنده حق را به جانب شیخ اشراق می‌دادم. اما نقل آن در این مجموعه، با توجه به قدمت و اصالتی که دارد، در صحت انتساب آن به مجد همگر تردیدی ایجاد نمی‌کند.

^{۲۵} صفا، ۳: ۵۲۷. ^{۲۶} بار احمد رشیدی تبریزی، رباعیات خیام (طربخانه)، به تصحیح جلال همائی (تهران، ج ۲، هما، ۱۳۶۷)، ص ۱۴۰؛

اسماعیل یکانی، نادره ایام حکیم عمر خیام (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲)، ص ۳۷۱.

^{۲۷} مجد همگر، ص ۷۷۱.

^{۲۸} رشیدی تبریزی، ص ۲۳؛ یکانی، ص ۳۷۳. این رباعی به شاعر همروزگار مجد، اثیرالدین اومانی، نیز منسوب است. نک: رضاقلی خان هدایت، مجمع الفصحاء، به‌کوشش مظاهر مصفا (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ۱: ۳۹۲ که منبعی متأخر به‌شمار می‌آید.

^{۲۹} رشیدی تبریزی، ص ۵۵؛ رباعیات خیام، به تصحیح و تحشیه محمدعلی فروغی، با همکاری قاسم غنی (تهران: اساطیر، ۱۳۷۱)، ص ۶۷؛ مجد همگر، ص ۷۳۲.
^{۳۰} رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سوانح الافکار، به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه (تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸)، ص ۲۰۲؛ عزالدین کاشانی، روضة الناظر و نزهة الخاطر (کتابخانه دانشگاه استانبول، ش ۷۶۶، سده هشتم ق، کتابخانه دانشگاه تهران، فیلم ش ۲۴۷)، گ ۱۴۸. این رباعی در نزهة المجالس به‌کوشش دکتر محمدامین ریاحی (تهران: زوار، ۱۳۶۶)؛ نیز بدون نام‌گوینده نقل شده است (ش ۲۸۴۹).

این رباعی در بیشتر دستنویس های دیوان مجد همگر و بعضی تذکرها به اسم اوست. ۳۲ اما در دیوان عنصری بلخی هم دیده می شود. و اگر در نزهة المجالس به اسم عنصری نبود ۳۳، بی هیچ گمان و تردیدی آنرا به حساب مجد همگر می نوشتیم. خاصه آنکه این رباعی برخلاف رباعیات عنصری که قریب به اتفاق چهار قافیه ای است، سه قافیه بیشتر ندارد.

یک رباعی معروف دیگر هست که بنده آرزو داشتم دستنویس رباعیات مجد همگر کامل می بود و افتادگی نداشت و از روی آن می فهمیدم که واقعاً از مجد همگر هست یا نه. این رباعی جزو رباعیات حرف «نون» است و در نسخه فعلی رباعیات این حرف کلاً ساقط است:

بادشمن و بادوست بدت می گویم تا هیچ کسی دوست ندارد جز من
در عشق تو کس تاب نیارد جز من در شوره کسی تخم نکارد جز من ۳۱



انجامه مجموعه دیوان های چهار شاعر قصیده سرا (کتابخانه مؤرّه بریتانیا، 3713؛ عکس از کتابخانه شادروان مجتبی مینوی، ش ۲۳۴ و ۲۳۵).

۳۱ مجد همگر، ص ۷۷۵.

۳۲ از جمله، نک: خلاصه الاشعار، گ ۳۸۹ ب؛ مجمع الفصحاء، ۱: ۲۰۸۹. جالب اینجاست که هدایت این رباعی را جزو اشعار عنصری هم آورده است (همانجا، ۱: ۱۳۵۲).

۳۳ نزهة المجالس، ص ۴۷۸؛ در خلاصه الاشعار مجد تبریزی که نزهة المجالس یکی از منابع اصلی آن است، هم به اسم عنصری است (سفینه تبریز، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱)، ص ۶۰۱. نیز نک: دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیرسیاقی (تهران، ج ۲، کتابخانه سنائی، ۱۳۶۳)، ص ۳۱۷.

A Copy of Majd-e Hamgar's Quatrains in the Hand of his Grandson

(British Library, Ms. no. 3713)

Ali MIRAFZALI

(Kerman)

In the year 697/1297, Majd's grandson, a man by the name of Eshāq b. Qawām b. Majd-e Hamgar, who was at the time living in Tabriz, edited a collection of his grandfather, Majd-e Hamgar (607 - 686/ 1210 - 1287 AD) quatrains, and wrote his edition on the blank folios that are inserted in a collection of the *divāns* of four great Iranian elegists: Abolfaraj-e Runī, Azraqī-ye Heravī, Anvarī, and ʿOthmān-e Mokhtārī. This collection has been copied in 692/1292 in the city of Esfahān. Eshāq b. Qawām finished transcribing his edition of his grandfather's verse on Friday, fifth of the month of Šafar of 697 (November 29, 1297), eleven years after Majd's death.

This manuscript, which is in 179 folios, is kept at the British Library (no. 3713). A photographic copy of it that was procured by Professor Minovi for his own use is now kept at the Minovi library in Tehran (nos. 234, 235). Eshāq b. Qawām b. Majd-e Hamgar has copied his grandfather's quatrains on the blank folios which separate the text of these four *divāns*, and on those that follow the text of ʿOthmān-e Mokhtārī's *divān* in the codex. He has divided his edition of the quatrains into four parts in order to fit them on the available blank folios. The quatrains number 610 in the present manuscript, and have been arranged in alphabetical order according to their rhyming word. Professor Minovi has noted that: "this copy of the quatrains is the oldest dated Persian manuscript in which the verses of a poet are alphabetically arranged according to the rhyming word."

Although Majd-e Hamgar was known for his elegies during his lifetime, it is his quatrains that his grandson has chosen to collect. This is rather rare especially because Majd had no great fame as a composer of this type of verse.

The quatrains are copied in four columns, and there are approximately thirty of them on each page. Though most are preceded by the expression, *wa labu*, "and also by him," some have specific titles that pertain to the topic of the quatrain and are of significance as far as the biography of the poet and cultural and political histories of his time are concerned. On the final folio of the manuscript, the scribe has included a number of anecdotes that are noteworthy for the study of the literary atmosphere of his own time, and the biography of his grandfather.

The manuscript is written in a large *naskh* script, and has a versified colophon by the scribe, which is one of the oldest specimens of poetic colophons in Persian manuscripts. In this colophon, Eshāq b. Qawām has referred to his work as an "edition" (*tašhīh*), and has included variants of some of the verses of his grandfather's poetry, which he has inscribed either on the margin or interlinearly. He has revised his work and has corrected some of his own scribal errors.

Some of the quatrains of Majd-e Hamgar are found among the wondering quatrains of Persian literature, which are attributed to a number of different poets in different sources. However, since the present manuscript has been edited by the poet's own grandson, one may consider the attribution of these quatrains to Majd-e Hamgar as virtually certain.

